

الحق مأمورین مالیه نهایت زحمت را کشیده اند و این مقدار جنس را حاضر کرده اند و بازهم دارند میکنند راپورت نوافل را هم وقتی که شخص نگاه بکند چنانکه امروز بنده چند تایش را دیدم معلوم می شود که گندم بیش از سنوات سابقه وارد میشود اما با وجود اینکه گندم باندازه کافی از اطراف وارد میشود و از طرف دولت هم تا قبل از اول این ماه روزی هشتاد خروار و از اول این ماه روزی صد و پنجاه خروار بیخیزا شانه داند میشود معذالک کبیرا مر نان چنانکه بر هیچیک از آقایان پوشیده نیست در نهایت سختی و تنگی و بدی است که دیگر مافوق بر آن در بدی متصور نیست در صورتیکه بنده تحقیق کرده ام خزانه دار کل اجازه داده است خبازها وقتی که میباید گندم تحویل بگیرند بعلل خودشان هر نوع که میخواهند پاک میکنند بعد از پاک کردن بدون هیچ خاکی پاک کرده بآنها میدهند معذالک کلبه اگر درست تجزیه کنیم ناهای تهران را هر چیزی دارد غیر از گندم خالص این امر نان وضع سختی و تنگی و گرفتاری عموم مردم هم بر هیچیک از ماها پوشیده نیست که یک نفر عنقه بیچاره که زحمت بکشد از صبح تا غروب که در قران یاسی شاهی اجرت بگیرد باید سه مقاب آن ناه کش در دکان نانوائی متحمل زحمت بشود تا بتواند یک نان بدست بیاورد آن وقت چطور آنرا بخورد بجهت اینکه همه چیز دارد بفر از گندم این مطلب بنظر من بسیار مهم است و نمان میکند تمام آقایان هم با من موافق باشند زیرا که راجع بر فاه عموم است و متأسفانه دوره انتخابات قریب با ختم است و قانون منع احتکار هنوز از چاه بیرون نیامده است و این قانون که شاید فایده بحال عموم داشت و مارا از این گرفتاری و تنگی خلاص میکرد هنوز نتوانسته ایم از مجلس بگذرانیم در هر کساینه که رفته است نظیر شود همان طور از آن جا بیرون نیامده است تا این که آن کابینه تغییر کرده است حالا هم گمانم این است که اینقدر در کابینه بماند تا این که ماها دوره مان تمام بشود پس تقاضا میکنم از آقایان عموماً که این پیشنهادی را که جماعتی امضاء کرده اند تقریباً همه ماها امضاء کرده ایم مگر بعضی که نیامده اند ندیده اند این راجع باین مطلب است که چند نفر از طرف مجلس انتخاب بشود که در عمل نان یک تفتیش و رسیدگی بکند که این امر نمان چه ممای لایتخل شده است در صورتیکه گندم باین فراوانی و خوبی بآنها میدهند وقتی که میرود بدکان نانوائی چیز دیگری بر میگردد و آنهم باین سختی و تنگی برود رسیدگی و تفتیش بکنند که علتش چه چیز است دولت در حقیقت متحمل این ضرر شده ۱۵۰ خروار نصف خوراک تمام طهران را دولت میدهد و راهها هم که باز است چه شده کنان باین تنگی و سختی است و مردم در این عسرت هستند دیگر آن که سعی کنند که آن قانون منع احتکار را زودتر بمجلس برساند و عموم مجلسیان را خوشوقت بکنند تا این چند جلسه دیگری که مانده بتواند یک قانون برای رفاه عامه اهالی وضع بکنند و بیچاره فقراء و ضعیف را از تنگی و سختی چه

امروزه چه در آتبه از دست معتکفرین خلاص و راحت بکنند .
رئیس - در این باب مغالمی هست (گفتند شیر)
رئیس - قبل از این که تشریف ببرید یک کمیسیون ۶ نفری معین کنید (تقاضای مزبور نیز بضمون ذیل خوانده شد)
 ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که نظر با اهمیت صل نان کمیسیونی از نمایندگان معین شود که با هیئت وزراء در این خصوص داخل مذاکره شده بزودی عمل نان را تصفیه نمایند (محل امضای ۲۸ نفر از نمایندگان)
حاج آقا - بنده اگرچه موقع گذشته و ذیلی دیر است با این که مطلب خیلی مهم است خیلی مختصر عرض میکنم اگر چه مطالب مهمه آنقدر هست که واقفان نمیدانم کدام یک آنها را شوال کنم و فکر کنیم ولی مطلب مهمی که امروز برای ما پیش آمده است و اتفاق رو داده است در طرف جنوب این است که بعضی از مأمورین فرستاده اند برای مالیه جنوب و هیچ موزیر مالیه را نیشناسیم که شوال کنیم یا توضیح مطلب را بخواهیم که این مأمورین بتصویب کی بوده و بچه ترتیب فرستاده شده مأمورینی که میشناسان معلوم است که انگلیسی هستند نمیدانم بچه جهت این ها را امور کرده اند و بنده حالا بعضی آقایان میرسانم که در فرستادن این مأمورین اگر ملت فارس یا اصفهان مخالفت کنند یا نه پذیرند آن وقت نتیجه این چه خواهد شد و مسئول این اقدام که خواهد شد از این جهت بنده تقاضا میکنم که از طرف مجلس آقای رئیس بنویسند آقای رئیس الوزراء که وزیر مالیه را معین کنند که کی است تا از او شوال یا استیضاح کنیم
رئیس - استیضاح را آقای حاج سید ابراهیم کردند آن روزیکه برای استیضاح حاضر میشوند ۲ شنبه یا ۳ شنبه باشد جناب عالی میتوانی مطالبات را را در ضمن استیضاح بفرمائید .
 (مجلس ۲ ساعت از شب گذشته ختم شد)
جلسه ۳۱۷
صورت مشروح روز شنبه ۱۳ شهریور
ذی القعدة الحرام ۱۳۲۹
**رئیس آقای مومنین الملك يك ساعت ونیم قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نموده و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح شد - صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقایان آفاسید سید محمد رضای مساوات - حسینیان - ناصر الاسلام مریش - آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا - آفاسید محمد باقر ادیب - آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر نموده اند دکتر اسمعیل خان یکساعت ونیم معزز الملك ۵۰ دقیقه - دکتر امیر خان ۳۵ دقیقه معین الرعایا دکتر لقمان هریک نیم ساعت .
رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست -
آفاسید حسین اردبیلی - در آخر مجلس اظهاراتی شد و اینجا اشاره نشده است .
رئیس - چوق اظهار آن مطلب صلاح نبود این بود که نوشته نشده است .**

آفاسید غلامحسین - این جا نوشته شده است که مخالفت بنده فقط از حیث این بود که بنده این قرار داد را مخالفت با قانون محاسبات عمومی می دانستم بنده عرض کردم چون مخالفت دارد باین قوانین که سابق از مجلس گذشته است باین جهت مخالف بودم و چون دیده که تکرارش فایده ندارد این بود که اظهار نکردم و الا قانون محاسبات عمومی و قانون مصوبه ۲۳ جو زا هر دو مسئله را در نظر داشتم .
رئیس - همین طور اصلاح میشود دیگر ملاحظات نیست . صورت مجلس باین اصلاح تصویب شد قانون شرکت های تجاری و ماده یازدهم ماده ۱۵ - اختیارات مدیران را نمی توان بطور کلی و مبهم تعیین نمود تمام شقوق اقدامات و معاملاتی که در حدود وظایف او است باید بطور واضح در شرکت نامه معلوم شود و همچنین اگر در باب خرید و فروش اموال منقوله یا استغراض یا صلح دعوی به مدیر اختیاراتی داده میشود باید صریحاً در شرکت نامه قید شود .
رئیس - در ماده یازدهم مغالفی نیست ؟ (گفتند خیر .)
رئیس - - رأی می گیریم به ماده ۱۵ آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده شانزدهم خواننده مشهود (بعبارت ذیل خوانده شد)
 ماده ۱۶ = مدیر یا مدیران شرکت باید در رأس هر ششماه صورتی از فروش و دارائی و مطالبات شرکت ترتیب داده و تمام معاملاتی که در ظرف مدت مزبور شده است بطور راپورت بشرکاء بدهند و الا مسئول خواهند بود و هریک از شرکاء حق دارد بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر از این بابت ضرری وارد آید برعهده مدیر یا مدیران است .
حاج سید ابراهیم - يك اشكال لفظی داشتم این کلمه (و الا مسئول خواهند بود) رابك عبارت بی نتیجه میدانم اگر مقصود اینستکه هرگاه مدیر ها در رأس ۶ ماه صورت بشرکاء ندادند هر يك از شرکاء بتوانند بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه نمایند و اگر ضرری هم وارد بیاید بهنده مدیران است همان عبارتی که نوشته شده است که بتوسط محاکم عدلیه صورت را مطالبه میکند تا آخر ماده کفایتی است و این جمله (و الا مسئول خواهند بود فایده ندارد)
افتخار الواعظین مخبر - این مسؤلیتی را که اینجا نوشته شده است غیر از این مسئله است یعنی مسؤل خواهند بود که اگر در رأس ۶ ماه بوظیفه خودش عمل نکرد و صورتی از فروش و دارائی و مطالبات بطور راپورت بشرکاء نداد و از این بابت ضرری وارد شد آن ضرر بر ابراهیم اوست این مسؤلیت اول بعد اگر یکی از شرکاء آمد و مطالبه صورت کرد و مدیر یا مدیران مسامحه کردند در دادن صورت حقیق دارد آن شریک برود به محاکم عدلیه رجوع کند و بتوسط محاکم عدلیه صورتی از معاملات شرکت مطالبه کند از این حیث

هم باز اگر ضرری با اشتریک وارد شود باید از همد
و خسارت بر آید .

رئیس - دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم بماده
۱۶ آقایانیکه موافقتوتصویب میکنند قیام نمایند
(اغلب قیام کردند) .

رئیس - تصویب شد ماده ۱۷ خوانده میشود
(بصارت ذیل خوانده شد) :

ماده ۱۷ - مدیر ویا مدیران شرکت که در
معاملات واقدمات راجعه بشرکت از حدود اختیارات
معینه خارج شده باشند تأدیه وجه معاملات برعهده
خود آنان است .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده این را
کافی نمیدانم اختیارات معینه ممکنست از معاملات
تجاوز بکنند ممکنست کاری بکنند قطع نظر از
معاملات و ضرری وارد بیاید مثلا از این راه يك
معامله را میخواست قطع کند فلانطور باید حفظ
کند اگر نکرد ضرری وارد شد بهتر است که
چیزی ازینباب بر او اضافه شود که تأدیه وجه معامله
و خسارت وارده برعهده اوست .

افتخار الواعظین - بنده که ان میکند
فرمایش آقا را مدین ماده دارا باشد در ماده قیل
گفتیم باید اختیاراتی که بمدير داده میشود
باید در شرکت نامه مصرحاً قید شود وحق ندارند
از آنحدودی که برایشان معین شده است تجاوز
کنند حالا اگر چنانچه يك معامله کردند و از
حدود اختیارات معینه خارج شدند تأدیه وجه معامله
بر عهده اوست این معلوم است تأدیه وجه معامله
و کلیه خساراتیکه بر شرکت وارد شده است بر
عهده او است نه اینکه فقط پول معامله را میدهد
البته خسارات وارده را هم میدهد بجهت اینکه
بدون وکالت رفته است در اموال دیگری تصرف
کرده و کسی که برود بدون وکالت در اموال
دیگری تصرف کند اگر ضرری وارد شود برعهده
او خواهد بود .

حاج سید ابراهیم - این اشکال آقای
زنجانی خیلی صحیح است و دفاع مخیر کافی نیست
بجهت این که تأدیه وجه معامله تمامی ضرر و خسارت
نیست اگر از حدود اختیارات خودش خارج شد اگر
ضرری در آن باشد آن خسارت را باید متحمل شود
و تأدیه وجه معامله را ممکن است بکنند ولی آن هیچ
ربطی بخسارت ندارد بلکه بنده مقیدم اینستکه هیچ
لفظ تأدیه وجه معاملات را نباید قید کرد بجهت اینکه

فرض کنید معین کردند شرکاء که تاسه هزار تومان
معامله بکنند آن وقت يك معامله صدوه هزار تومانی
کرد و این زیادتی را خودش میدهد هیچ ضرری هم
نکرده است در این معامله ولی از حیث دیگر ضرر
ندارد می آید و این عبارت شامل نمیشود ده هزار
تومان را خودش بدهد واصل دیگری خودش کرد
که ربطی باین ندارد و مطلب باین اداء نمیشود و علاوه
باید ملاحظه کرد که فرق است بین آمدنری که
شرکت خواهد کرد و بین کسیکه در مال کسی تصرف
فضولی بکنند مدیر صورتیکه معامله بکنند باید در
آنحدود معامله تجارتی بکنند پس اگر خارج از وظیفه
خودش کاری کرد و هم تصرف در مال غیر کرده این
تأدیه وجه معامله هیچ کافی نیست و باید تأدیه و خسارت
هر دو نوشته شود .

افتخار الواعظین - گمان میکنم ضرری
نداشته باشد بنسبت تأدیه وجه معاملات و خسارت وارده
برعهده خود مدیر است .

آقا شیخ ابراهیم - عرض کردم تأدیه وجه
معامله چون این معامله را اجازه نداده بودند آن معامله
مال خود او خواهد بود ولی عرض کردم ممکن است
خود او خواهد بود ولی عرض کردم ممکن است
معامله را بطوریکه باید کرده اند ولی حفظش را
بطوریکه باید نکرده اند یا اندازه دیگر ضرر وارد
آورده در صورت تأدیه وجه معامله قلع است باید
نوشت تأدیه وجه معامله و خسارات وارده .

حاج وکیل الرعایا - اگر مقصود از این
قانون برای معاملات است معلوم است اگر يك خسارتي
در ضمن معامله پیدا شود در وقتی که گفتیم وجه این
معامله برعهده آنکس است کاین معامله را کرده
خسارات آنهم برعهده خود او است پس وقتی که آن
خسارت بر عهده خودش باشد دیگر نمیدانم چه
خسارت دومی باقی میماند تمامی ضرریکه در این معامله
وارد شده است باید از همین مال خودش داخل شرکت
کند و معلوم است که این خسارت را برای آن معامله
میدهد و از آن مابقی کمال اوست در شرکت وارد
میشود دیگر بنده اینجا قید زیادی را لازم نمیدانم
و همین عبارت را کافی میدانم و موکول برای آقایان
است .

ادیب التجار - اینجا تنها به لفظ خسارت
قناعت نمیشود کرد چه آنکه آمدنری یا مدیران از
جانب شرکتی معین شده اند و معامله آنها از روی
نظامنامه ها قوانینیکه در آن شرکت نوشته شده
خواهد بود و کارهاییکه میکنند و تصویب خواهد
شد از روی نظامنامه داخلیشان تصویب خواهد شد
معاملاتیکه از آن حدود و اختیارات خارج شود چند
قسم است یکی آن است که خسارت وارد میشود که
اینجا تعیین کرده اند بسامیشود معامله کرد و منفعتی
کرد آنهم باید معین شود مثلاً يك معامله هزار خروار
گندی میکرد خروار ده تومان خرید و آن وقت
گندم بظننه های امروز رسید خیلی نفع کرد آن منفعت
هم باید معین بشود که مال کیست هم آن منفعت و علاوه
باید معین بشود که مال کیست و هم آن منفعت و علاوه
بر این قیدی که معین شده این قید هم باید بشود
رئیس - مذاکرات کافی نیست (اظهار شد
کافی است) .

رئیس - دو فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود
(به ترتیب ذیل قرائت شد) اول - از طرف
آقا شیخ ابراهیم زنجانی .

بنده پیشنهاد میکنم بعد از لفظ
تأدیه وجه معامله در ماده ۱۷ اضافه شود . و از عهده
خسارت وارد بر آید - (۲) - از طرف حاج آقا بنده
پیشنهاد میکنم که در ذیل ماده الحاق شود و هر جوری
از این اقدامات وارد آید بر عهده خود او است .

رئیس - در واقع هر دو يك مطلب است .
آقا شیخ ابراهیم - بله هر دو يك مطلب است
و هاتش همان بود که عرض کردم .

حاج آقا - گمان میکنم که هر دو يك مطلب
نباشد بواسطه آنکه آنطوریکه بیان شد میشود که
خسارت از طرف معامله واقع شود یعنی يك معامله کرد

و آن معامله از حدود اختیاراتش بیرون بود آنوقت البته
بگوید وجه این معامله را باید بدهد ولی چیزیکه در حدود
این ماده نوشته شده میگویی (مدیر یا مدیران شرکت که در
معاملات واقدمات مراجعه بشرکت از حدود اختیارات معینه
خارج شده باشند هم اینجا دو مطلب است یکی خسارات
وارد در معاملات یکی خسارات در سایر اقدامات
مثلا ممکن است در معاملات یکوقتیکه معامله هم باشد
که از حدود خود اختیاراتش بیرون باشد بگوید وجه آن
را خودش بپردازد و معامله مال خود او باشد
و آن ضرریکه از طرف معامله وارد میشود خودش
باید بدهد ولی ممکن است که در این معامله ضرر
نکنند ولیکن از این معامله راجع بسایر معاملات
شرکت ضرری وارد شود و چون ممکن است که انسان
يك معامله بکنند که خود آن معامله ضرر نکند
ولی از آن معامله راجع بشرکت تولید يك ضرری
شود آنهم باید جزء شود که ضرریکه از اقدامات
وارد شود در حالتیکه هیچ راجع بمعامله نباشد و از آن
اقدامی هم که از حدود اختیارات معامله بیرون است
ضرری وارد نشده است بنده گمان میکنم اگر این
عبارت که نوشته شده تأدیه وجه معامله برعهده خود
او است الحاق کنیم در آخر آن و هر ضرری که
از این اقدامات وارد آید بهتر است هم از اینکه
از معاملات باشد یا از غیر معاملات این مطلب را میسراند
و اگر مقصود آقای زنجانی هم اینطور بود عبارت
اینطور نوشته شود واضحتر میشود .

رئیس - دو فقره اصلاح دیگر یکی از طرف
آقای ادیب التجار و یکی از طرف آقای کاشف
رسیده قرائت میشود (به ترتیب ذیل خوانده شد)
اول از طرف کاشف بعد از کله خارج شده باشند
اینطور نوشته شود در مقابل شرکاء مسئول و خسارت
وارد از آن معامله بر عهده خود آنها است - (۲)
از طرف آقای ادیب التجار) بنده پیشنهاد میکنم
منفعت از معامله بی اجازه شرکت راجع بشرکت
است و خسارت را باید مدیر یا مدیران بدهند .

کاشف - چون در مواد قیل گفته شد که همیشه
شرکاء مسئول سایرین هستند و اینجا هم این مطلب
مهم است باید بطور وضوح نوشته شود که مسئولیت
مدیر یا مدیران در مقابل خود شرکاء است و خسارت
وارد بر عهده خود آن مدیر یا مدیران است
مقصود اینستکه تصور نشود که خسارت راجع بسایر
طلب کاران شرکت میشود و اینجا بجهت بنده پیشنهاد کرده
مسئولیت مدیر یا مدیران در مقابل شرکاء است و
معاملاتی را که مدیر یا مدیران میکنند که از حدود
اختیارات آنها خارج است خسارات وارده از این
جهت برعهده خود آنها است این مطلب واضح است
بجهت سایرین هم بطور وضوح معین میکند که مسئولیت
مدیر یا مدیران در مقابل خود شرکاء است

ادیب التجار - این چون قانون است که از
مجلس میگردد باید خیلی مصرح و محکم نوشته شود
عرض میکنم اینجا خسارات را تصریح کردن کافی
نیست بجهت اینکه مستمسک میشوند بهین ماده قانون
که اگر يك معامله کرد که پنجاه هزار تومان منفعت کرد
و بسا این معاملات که باهتبار شرکت میشود بدون
اینکه پولی باید رفته باشد و پنجاه هزار تومان دخل
میکند آنوقت نمیتواند باین ماده قانون اورا مسئول
بکنند میگویی اگر ضرر کرده بودم مسئول بودم

اطاعت میکردم اما منفعت کرده ام پول شرکت را
هم ندادم و این منفعت مال خود من است (مجدداً
پیشنهاد فوق الذکر بترتیب مزبور قرائت شد)
(وبك جزء پیشنهاد از طرف آقای حاج سید ابراهیم
بصارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم این ماده
بکمیسیون برگردد)

حاج امام جمعه - چون این مدیر که این
معامله را بدون اجازه شرکاء کرده است یعنی از
حدود خودش خارج شده این معامله بر میگردد
بخود او همینطور که در ماده هم نوشته است حالا
در اینجا میفرمایند اگر خساراتی از این بابت بشرکت
وارد شود من این را دیگر تعقل نکردم اگر
مردان این است که آن معامله را که شرکت امر
کرده بود آن را نکرده و حالا که نکرده خسارت
وارد برعهده خود مدیر است اگر این مقصود را
دارند که این ضرر را نیشود بر مدیر تحمیل کرد و اگر
ضرری است که از همان معامله حاصل شده که این
مسئله ذکر شود بر ماده همان است که در کمیسیون
نوشته شده است آقای مخیر هم بیان کردند .

آقا سید حسن مدرس - گویا مرکز
اذعان آقایان در کمیسیون این بوده است چون در
کمیسیون مذاکره در این مورد خیلی شده است
و اد از این ماده اینست که عرض میکنم اگر شرکت
قرار داده بود مثلا قند بخرد رفت تریاک خرید
مراد از این ماده این است که در این صورت اگر
ضرری کرد دخلی بعالم شرکت ندارد و معامله مال
خود اوست این را هر چه تصور می کنیم ربطی
به خسارت و ضرر ندارد حالا اگر عبارت را
کافی نمیدانم نمی دانم و الا مراد از این ماده
اینستکه عرض کردم .

افتخار الواعظین - علت اینکه بنده این
پیشنهاد را قبول کردم اینستکه خاطر محترم آقایان
را متوجه میکنم که دو مسئله است یکی اینکه يك
معامله کرده است که از حدود اختیارات معینه خارج
شده است این را همان طور که گفتند مسئولیت او
این است میگویی پول این معامله را خودش بدهد نفع
دارد مال خودش باشد شرکت در این باب ابدأ
چیزی قبول نمیکند یکی هم اینستکه جزء اقدامات
راجعه بشرکت است مثلا میگویند برود قند بخرد
رفت نطق خرید و این را هم از پول شرکت خریده
است میگویی پول شرکت را بده بگذارند در صندوق
شرکت ولی اگر در ده روز قیل پول شرکت را
برداشته بود قند خریده بود از بابت قند يك فایده
بشرکت رسیده بود و پول شرکت هم در ده روز قیل
بصندوق وارد شده بود چون نطق خریده است و
بعد از ده روز پول را میدهند این از حیث خریدن
قند ضرری بشرکت وارد شده است حالا از این
حیث میگویی باید ضرر شرکت را متحمل بشود .

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم راجع به
پیشنهاد خودتان توضیح بدهید .

حاج سید ابراهیم - عرض کنم اختیارات
هیچ منحصر نیست بمرکز معامله گفته شد شعب از
برای شرکت در بعضی جاها دائر میشود چون جهات
ضرر خیلی میشود ممکن است در غیر معاملات هم

این ترتیب بشود اینجا تقاضا میکنم که بکمیسیون
برگردد و يك نظری بکنند مثلا اگر يك معامله
بکنند از پول شرکت خارج از حدود اختیارات
معینه و نفعی را خودشان ببرند چه نفعی برای شرکت
دارد یا اقدامی بکنند واقماً که فیر از اقدامات راجعه
بشرکت باشد که باعث ضرری شود اینست که بنده
پیشنهاد کردم که بکمیسیون برود تا نظر ثانوی
بشود تا جهات ضرر را در نظر بگیرند و ماده بجلس
پیشنهاد کنند .

رئیس - اول رأی میگیریم به پیشنهاد آقای
حاج سید ابراهیم که حق تقدم دارد آقایانی که
تصویب میکنند که این ماده برگردد بکمیسیون قیام
نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد این اصلاحات را هم می
فرستیم بکمیسیون (ماده ۱۸ خوانده شد) .

ماده ۱۸ - شرکاء میتوانند در شرکت نامه هر
نوع شرایطی که میخواهند قرار دهند بشرط این
که مغالف با قوانین شرع یا ناقض مدلول مواد فوق
نباشد .

حاج شیخ اسدالله - بشرط اینکه مغالف
با قوانین شرع یا ناقض مدلول مواد فوق نباشد منحصر
بمواد فوق نیست مغالف بامواد این قانون نباشد .

هشردوی - يك جزء عرض بنده همان
بود که گفته شد یکی هم اینستکه بنویسند بشرط
اینکه مغالف با قوانین شرع و ناقض مدلول این
مواد نباشد (یا) را بردارند و (و) بنویسند .
افتخار الواعظین - بله آنچه آقا میفرمایند
معنی این است که مغالف با قانون شرع نباشد
و ناقض این مواد هم نباشد یعنی مغالف هر دو نباشد
در صورتیکه مقصود این است که مغالف با قوانین
شرع نباشد یا ناقض مواد فوق هم نباشد یعنی مغالف
هر دو نباشد در صورتیکه مقصود این است که مغالف
با قوانین شرع نباشد یا ناقض مواد فوق نباشد مغالف
با هر کدام که باشد ضایع میشود ولی بنویسند و
ناقض مدلول مواد این قانون نباشد ضرر ندارد .
(مجدداً ماده با این اصلاح خوانده شد)

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۸ همین ترتیب
که خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند
(اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۹ خوانده میشود
ماده ۱۹ - مدیر شرکت یا مدیران بدون اجازه
مخصوص شرکاء حق ندارند طرف معامله با شرکت
واقع شوند .

حاج شیخ اسدالله - این ماده خیلی مجمل
است و مرادش معلوم نیست چیست (مدیر شرکت
یا مدیران بدون اجازه مخصوص شرکاء حق ندارند
طرف معامله با شرکت واقع شوند) چطور حق ندارند
طرف معامله با شرکت واقع شوند یعنی معاملات
شخصی را حق ندارند آنها يك وظیفه دارند و يك
حق قانون بآنها میدهد که در حدود آن رفتار کنند
و معاملات شخصی را هم مقیده ام اینستکه میتوانند
بکنند آنها را نمیتوان محروم کرد و مراد از این
ماده را من نمی فهمم آقای مخیر توضیح بدهند
مردان از این معاملات چیست شخصی است یا
معاملات شرکاتی است در هر صورت هر کدام از
اینها باشد صحیح نیست .

افتخار الواعظین - گمان میکنم بعد از این
توضیحی که عرض کردم دیگر این اشکال را فرمایند
اشکال شرعی ندارم نکن اگر ما نتوانستیم که راه
دسیسه را هم بیندیم که یکی دیگری بیاید این را
خریداری نساید آنراه را هم سد میگردیم ولی
چه فایده برای او نداریم والا این راه را هم سد
می کردیم .

حاج شیخ الرئیس - بنده این ماده را

افتخار الواعظین - مقصود معاملات شخصی
است و بعنوان شرکت گفته ام که میتواند طرف معامله
واقع شوند اینجا مثلا شرکت میخواند زمین
بفروشد یا جنسی را بفروشد ولی مدیر میدانند در
چندی دیگر این معامله فائده کلی خواهد داشت وقتی
که میخواهد بفروشد خودش می آید مشتری می
شود آنوقت میگویی شاید اگر معامله میکرد با دیگری
زیاد تر فایده برای شرکت حاصل میشد مقصود از این
ماده اینستکه اگر میخواهد طرف معامله بشرکت
واقع میشود باید از شرکاء اجازه مخصوص بگیرد و
بعد از اجازه مخصوص آنوقت طرف معامله واقع
بشود .

کاشف - بنده این لفظ اجازه مخصوص شرکاء
را میخواستم که آقای مخیر توضیح بدهند که اجازه
مخصوص شرکاء یعنی چه باید تمام شرکاء اجازه بدهند
یا اینکه چند نفری بآنها اجازه بدهند خوب است
توضیح بدهند .

افتخار الواعظین - اینجا گویا آقای کاشف
از خاطر مبارکشان رفته است که شرکت خصوصی
است شرکت خصوصی بین چند نفر تشکیل
میشود باید همه شرکاء اطلاع بدهد که من می
خواهم این اجناس را از طرف شرکت بفروشم و
خودم هم طالبم اگر اجازه دادند بخرد میخرد و
الاینخرد شرکت خصوصی است شرکت مختلط نیست

بجهت - این قید هیچ مانع نیست همچو تصور
میشود که اگر مدیر یا مدیران طرف شرکت واقع
بشوند منفعت شخصی خودشان ملاحظه کنند اگر
واقماً در حق يك مدیری این احتمال برود که آن
منافع را ببرد میتواند اشخاص دیگر را طرف بکنند
را و اداری بکنند و آن اشخاص بیایند طرف معامله
شوند البته وقتی که يك شرکتی می آید يك مدیر
معین میکنند اولاً همه قسم ملاحظه میشود که يك
آدم شایسته صحیحی باشد ثانیاً يك وضع تیش هم
در بین است دیگر آنکه در معامله قیمت معین هست
مثلا يك زمین است مال شرکت پنجاه هزار تومان
همچنین اجناس که معمول است در بازار قیمت و صورتش
معین است ضرر ندارد اجناس قیمت بازارش معلوم
است و اگر همینطور يك اشکال مخصوصی دارد که
مدیر شرکت نمیتواند طرف معامله بشود که نسبت
آنرا توضیح بفرمایند که این از جهت شرعی است
یا آنکه بعداً دسیسه بشود اگر از بابت دسیسه است
که عرض کردم میتواند دیگری ا هم و اداری کنند
و اشکالی ندارد اگر از بابت اتحاد بائع و مشتری
خواهد بود چون عنوانش مختلف است اشکالی پیدا
نخواهد شد .

افتخار الواعظین - گمان میکنم بعد از این
توضیحی که عرض کردم دیگر این اشکال را فرمایند
اشکال شرعی ندارم نکن اگر ما نتوانستیم که راه
دسیسه را هم بیندیم که یکی دیگری بیاید این را
خریداری نساید آنراه را هم سد میگردیم ولی
چه فایده برای او نداریم والا این راه را هم سد
می کردیم .

حاج شیخ الرئیس - بنده این ماده را

بکلی غیر لازم و زائد می بینم بواسطه اینکه بمدار آنکه بنا شد با شرکت خصوصی و شرکاء معلومین کسی طرف معامله باشد. بدیهی است که اینطور معامله و هر معامله البته استجازه غیر تراضی است حتی اینکه باید مدیران را از حق مخصوص آزاد خود منع کرد بنده نیدانم اگر اینگونه احتمالات مانع از اجرای يك حق مشروع آزادی برای کسی باشد خیلی کار بسختی میکشد این بالاتر از این نیست که کسی قيم صغير است یا ولی مجنون هست برای صلاح آن مجنون یا صغير حالا که میخواهد مالش را بعارض بیع و شری درآورد برای اعاشه او خودش بدون دسیسه و تقلب آن چیز را بخرد این معامله کی میگوید نامشروع است و کی میتواند جلو این معامله را بگیرد بنده بکلی با این ماده مخالف هستم یعنی هیچ لازم نیست و يك قيد زائد بیفایده است .

افتخار الواعظین - بنده برعکس آقای

حاج شیخ الرئیس که این ماده را لازم نمی دانند بنده برعکس ایشان این ماده را خیلی لازم میدانم و عرض میکنم فرق است بین کسیکه وارد در عمل است و کسیکه خارج از عمل است شرکاء يك کسی را در میان خودشان انتخاب کرده اند و معین کرده اند باو حق میدهند که برای منافع شرکت برود معاملات بکند نه برای منافع خودش این چون وارد در عمل است میدانند که زمستان است برف آمده راهها مسدود است و فقط پس از یکماه ترفی کلی خواهد کرد امروز يك قیمت دارد ولی بملاحظه بعضی وسائل میدانند که در يك ماه دیگر قیمت نطق که سفارش خواهد شد خودش حق ندارد بدون اجازه شرکاء این نطق را بخرد و نفع را خودش ببرد باید اجازه بخواهد اگر اجازه دادند تمیواند بخرد .

رئیس - مذاکرات کافی است اصلاحی آقای ادیب التجار پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بعضون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۹ اینطور نوشته شود : مدیر شرکت یا مدیران بدون اجازه مخصوص کتبی شرکاء حق ندارند طرف معامله با شرکت واقع شوند .

رئیس - توضیحی دارید ؟

ادیب التجار - يك کلمه (کتبی) پیشنهاد کرده ام اضافه شود گمان میکنم که کمسیون هم قبول کنند .

رئیس - کمسیون چه میگوید ؟
افتخار الواعظین - اجازه کتبی البته بهتر است ضروری ندارد .
(مجدداً ماده ۱۹ با اضافه کلمه (کتبی) خوانده شد .)

رئیس -- رأی میگیریم بماده ۱۹ همین ترتیبی که خوانده شد آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس -- با اکثریت تصویب شد ماده ۲۰ (ماده ۲۰ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۰ - شرکاء در صورتیکه بخواهند تغییراتی در شرکتنامه بدهند شرایط ذیل باید رعایت شود اولاً اگر شرکتنامه اولی مصدق بوده شرکت نامه دومی نیز باید مصدق شود ثانیاً شرایطی که برای

ترتیب شرکتنامه موافق مواد فوق معین شده است باید رعایت شود ثانیاً وقوع تغییرات در شرکتنامه اولی قید شود .

حاج سید ابراهیم - بند يك اشکال دارم که میگوید موافق مواد فوق نوشته شود موافق مواد این قانون ویکی اینکه تغییرات که در شرکتنامه ها میخوانند بدهند گویا مراد این است که بموجب آن اولاً و ثانیاً معلوم میشود که میخواهند تمام شرکتنامه را تغییر بدهند اگر اینطور است باید يك شرکتنامه جدیدی بنویسند اگر تمام شرکتنامه را تغییر نمیخوانند بدهند و جزئیات آن را میخواهند تغییر بدهند صحیح است والا باید نوشت اگر شرکت نامه را بخواهند تغییر بدهند نه تغییراتی در شرکت نامه بخواهند بدهند .

افتخار الواعظین - اما آنچه اینجا نوشته شده است که ثانیاً (تمام شرایطی که برای ترتیب شرکت نامه موافق مواد فوق معین شده است باید رعایت شود) این اصحیح است بجهت اینکه این آخر ماده است که در باب شرکتنامه خصوصی نوشته میشود و اما مراد از تغییرات تغییرات کلی نیست مثلاً در شرکت نامه اولی قید شده بود که یکی از شعب این شرکت را در کرمان برای فلانکار تاسیس میکنند و حالا میخواهند موقوف کنند اینرا باید توضیح بدهند و در شرکتنامه اولی قید کنند که این در فلانماده شرکت نامه اولی بود و تغییر کرده است مراد تغییرات جزئی است

رئیس - دیگر مخالفی هست؟
حاج قبا - بنده این شرط سیم را آنطوری که آقای مخبر فرمودند گمان میکنم آنطور نباشد مراد این بوده است که موادیکه در شرکتنامه تاسی نوشته میشود در آن قید شود که الا ان بین شان تبادل شده در او بنویسند که فلان ماده تغییر داده شد و باید قید شود اینجا اولی تغییر داده شد و همینطور نوشته شود بنده اینطور فهمیده ام چون شرکت نامه اولی باطل است چیزی که در دستشان است شرکت نامه ثانی است عوض این شرط سوم اینطور نوشته شود (مواقع شرکتنامه اولی در شرکت نامه ثانوی قید شود) اینرا بنویسند هم عبارت واضحی میشود هم بهتر است .

افتخار الواعظین - اشتباه فرمودند اگر بخواهند در شرکت نامه دومی بنویسند دیگر وقوع تغییرات لازم نیست مثلاً اول آمده اند بکسر کت نامه نوشته اند و اعلان کرده اند و مردم بواسطه شرایط جزئی که شرکتنامه بوده است آمده اند شرکت کرده اند طرف معامله شده اند با این شرکت حالا پس از ۶ ماه می آیند بعضی از این شرایط خوب را تغییر بدهند برای اینکه مردم بتواند يك وقتی با آنها بگویند که اینمواد را موافق شرکتنامه خودتان حق نداشتید شرکت نامه را بیرون بیاورند آنجا نوشته است که تغییری که میخواهند بدهند آن تغییر را در شرکتنامه اولی هم قید میکنند که مردم مطلع باشند

رئیس - دیگر مخالفی هست؟
حاج شیخ الرئیس - عرض میکنم اگر چه مخبر محترم اینطور تقریر فرمودند که تغییرات جزئی است نه اساسی یعنی حاصل تقریرشان این بود که اصل شرکت بهم نیخورد و فقط پاره موادی که تعیین کرده

بودند قند بفر ندهند یعنی در کجا دارم بکنند ولی بنده در عقد شرکت گمان میکنم در تغییری که با تراضی شرکای مخصوصه داده شود این معنایش نقض شرکت سابقه و عقد شرکت ثانیه است پس بنا بر این بنده شرطش را لازم نمی دانم اساسی و غیر اساسی را نمی بینم حالا البته یکسر کتی میتواند که تراضی شرکاء در تجدید یکسر کتی بکنند .

افتخار الواعظین - بنده در جلسه قبل يك عرض کردم گویا از خاطر مبارك آقایان نرفته است عرض کردم این قانون وضع نمیشود برای حفظ حقوق شرکاء این قانون و این مواد نوشته میشود از برای حفظ حقوق اشخاصی که طرف معامله واقع میشوند با این شرکت مثلاً یکسراکت نامه می نویسند در آن قید میکنند که مثلاً ما با هر کسی طرف معامله می شویم هیچ وقت معامله مان نسبه نخواهد بود همیشه ما با پول نقد معامله میکنیم آن وقت مردم بواسطه این شرط با آنها طرف میشوند برای اینکه طرف توجه و میل مردم بشود يك همچو شرطی میکنند با شرط دیگر حالا اگر بنده نمیتوانم درست عرض بکنم که مثل چه آن نقض از طرف بنده است بهر حال یکشرایفی بوده است که اسباب تشویق مردم بوده است حالا نمیخوانند يك تقلبی بکنند و آن شرایط خوب را بردارند که اگر مردم میدانستند آن شرایط برداشته خواهد شد طرف شرکت واقع نمیشدند و آشکلی که اول طرف توجه مردم بود حالا آنشکل طرف توجه نیست برای این میگویم شرکت نامه را میخواهند تغییرات بدهند باید در شرکتنامه اولی هم بنویسند که فلان ماده و فلان شرط را تغییر دادیم مقصود این است

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است)
رئیس - د سه فقره اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود (اول از طرف آقای حاج آقا بعضون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که شرایطی نوشته شود - موقع تغییرات شرکتنامه اولی در شرکت نامه ثانی قید شود (۲) از طرف آقای میرزا کیخسرو بعضون ذیل خوانده شد)

وقوع تغییرات در شرکت نامه اولی قید بمقاماتی که شرکت نامه اولی داده شده اعلام در روز نامه معلی یا مرکزی اعلان شود (۳) از طرف آقای حاج شیخ اسدالله بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در آخر فقره سیم نوشته شود در روزنامه اعلانی شود

حاج آقا - از آقا مخبر خواهش میکنم که درست ملاحظه بفرمایند برایش بنده و عرایس بدانم که نباشد بجهت اینکه فرمایشاتیکه فرمودند تا دلیله هرایس بنده بود
رئیس - اگر موافق عقیده شان نباشد باید مدافعه بکنند

حاج آقا - بله مقصود بنده هم همان است که توجه کنند شاید متقاعد نشوند بنده عرض می کنم یک شرکت نامه نوشته شد همین طور که میفرمایند که شرایطش مطبوع و جالب دقت بشود بموجب آن شرکت نامه که ما نوشتیم در روزنامه های معلی یا بخت و سایر روزنامه ها طبع شده مردم بواسطه آن شرایط راغب شده اند بعد امروز می خواهند آن شرکت را

تغییر بدهند و آن طوریکه آقای مخبر توضیح دادند چون نظرشان بهمان شرایط اولی است باید ملتفت باشند که چطور تغییر داده اند کدام یکی از آن شرایط و از آن مواد تغییر کرده در این شرکت نامه نانی نوشتیم که تمام شرایط شرکت نامه اولی باید ملحوظ شود از جمله شرایط این بود که در روزنامه جات اعلان شود پس باید صورت شرکت نامه که تغییرات داده شد اعلان شود وقتی که اینطور شد آن وقت از همان شرکت نامه عموم مردم ملتفت میشوند که مثلاً ماده اول و دوم و سوم تغییر کرده است وقت دیدن این شرکت نامه نانی ملتفت میشوند که کدام شرایط تغییر کرده است و بعد می بینند که مقصودشان تغییر کرد . است اگر تغییرات در شرکت نامه اولی باشد شرکتنامه اولی محل توجه مردم نیست و کسی هم نمی فهمد مثل يك قانونی است که یکسال پیش قانونی در مجلس وضع کرده ایم و سال دیگر می خواهیم تغییر بدهیم بنویسیم که فلان و فلان ماده قانون سال پیش تغییر کرد شرکت نامه را هم وقتی می خواهیم تغییر بدهیم باید همانطور بنویسیم و همانطوریکه بنده پیشنهاد کرده ام صحیح است

رئیس - کمسیون قبول می کند

افتخار الواعظین - چون پیشنهاد آقای حاج آقا مخالف با عقیده کمسیون است و مخالف با این ماده است و مخالف آن چیزی است که نوشته شده ناچارم دفاع کنم عرض می کنم آن طوری که می فرمایند شرکتنامه اولی را نوشته اند بوزارت تجارت و عدلیه هم نشان دادند و شرایطی هم آنجا درج شد بعد شرکت نامه دیگری می خواهند بنویسند بعد آن اشخاصی که معامله کرده اند و بینشان اختلافی میشود رجوع میکنند شرکتنامه ثانی اورا بیرون می آورند میگویند شرکت نامه ما این بوده است آنوقت چه خواهند کرد برای اینکه نتوانند مردم را افوا بکنند برای اینکه مجبور باشند در شرکت نامه اولی قید شود که اگر شرکت نامه ثانی را خواستند ارائه بدهند در شرکت نامه او هم قید شده باشد از برای اینکه مردم اقبال نشوند

رئیس - رأی میگیریم در اصلاح آقای حاج آقا کسانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - ارباب کیخسرو - توضیحی دارید بفرمایند

از باب کیخسرو - چون در این قانون شرایطی می کنند باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام اولاً اگر تغییری داده شود باید بمقاماتی که شرکت نامه اولی داده شده این شرکت نامه ثانوی هم داده شود که همه آن مقامات از وقوع تغییرات معیوب شود و در روز نامه هم اعلام بکنند تا اینکه مردم مطلع بشوند تغییرات را اعلان بکنند تا اینکه مردم مطلع بشوند و به وزارت تجارت و عدلیه اطلاع بدهند تمام آن فرمایشاتشان در ذیل آن ثانیاً هست

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای ارباب کیخسرو آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای حاج شیخ اسدالله توضیحی دارید
حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد خودم را پس میکنم
رئیس - رأی می گیریم بماده ۲۰ همین ترتیبی که قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۲۱ (ماده ۲۱ بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۱ - شرکت مختلفه مابین چند نفر مسئول جامع و بلاحد و چند نفر شرکاء دیگر که مسئولیت آنان محدود بحصه آنان است منقسم می شود .

رئیس - مخالفی هست
افتخار الواعظین - بعضی عبارات در چاپ افتاده است بنویسند منقسم میشود که بعنوان شرکت تجارت نمایند (مجدداً ماده مزبور با ضافه جمله اخیر خوانده شد)

حاج شیخ اسدالله - توضیح بنده اینست که يك لفظ اینجا اضافه بشود کافی است و آن این است که نوشته شود که (تاسیس میشود) در آخر بنویسند تاسیس میشود کافی است و این عبارت را دیگر لازم ندارد

ناصر الاسلام - بنده می خواستم عرض کنم قانون که نوشته میشود مخصوص این قانون شرکتها را که راجع بتمام افراد ملت است باید نحوی نوشت که مردم بفهمند معنای آن ها را این خیلی شبیه است ببعضی رساله های که سابق بعضیها می نوشتند بعقیده بنده که این عبارت مسئول جامع بلاحد بسیار عبارت بدی است و کسی نمیفهمد

افتخار الواعظین - بنده تصدیق میکنم که این عبارت رساله هم هست ولی در شرکت خصوصی گفتیم که مسئول جامع یعنی چه و مسئول بلاحد یعنی چه چون آنجا شرح داده شده است معنی آن جا معلوم است

کاشف - در همین کلمه که محدود بحصه آن ها است محدود (بحصه) کدام است این را توضیح بفرمایند .

افتخار الواعظین - شرکت مختلفه این شکل است که يك اشخاصی جمع میشوند مؤسس میشوند مثلاً نفر و آدمی پنج هزار تومان بگذارند و سرمایه خودشان را صد هزار تومان میکنند و آن پنجاه هزار تومان دیگر را از اشخاص دیگر آدمی دو هزار سه هزار تومان بگیرند و بعد شرکت مختلفه را تاسیس میکنند مؤسین مسئول جامع بلاحد هستند یعنی تا ده برابر تا پنج برابر وقتیکه شرکت مقروض شد طلبکار حق دارد بفروردی از افراد مؤسین رجوع بکنند و طلب خودش را بگیرد ولی آنشرکاء غیر مسئول باندازه سهم خودشان باندازه دو هزار تومان که سهم وحصه آنها میشود اگر مقروض شد میدهند اگر زیاد بر آن شرکت مقروض شد آن مؤسین باید بدهند و غیر مؤسین باندازه سهم و قسمت خودشان هر کسی هزار تومان داده هزار تومان هر کس دو هزار تومان داده دو هزار تومان باید مقروض شرکاء را بدهند .

آقا سید حسین اردبیلی - در شرکت

خصوصی يك عبارتی بود (که بعنوان شرکائی تجارت نمایند) و اینجا عنوان شد که باید نوشته شود (بعنوان شرکائی کسب و عمل و معامله برای اینکه تعمیم داده شود و آن پیشنهاد هم قابل توجه شد گمان میکنم که آن عبارت اینجام لازم باشد .

افتخار الواعظین - در کمسیون اگر چه هنوز در آنخصوص مذاکره نشده ولی آنچه بنده استنباط کردم گویا کمسیون آنرا رد مینماید بجهت اینکه تجارت مارا باندازه وسیع میدانند که کسب و معامله و عمل را هم شامل است .

رئیس - ولی ایرادشان صحیح است تا در آن ماده رأی نگیریم نمیشود در این ماده رأی بگیریم
مخبر - پس تقاضا میکنم این ماده برگردد بکمسیون (ماده ۲۳ بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - در شرکت مختلفه شرکاء مسئول جامع بلاحد بطور لازم ملتزم میشوند بر اینکه در صورتیکه قرض شرکت بیش از دارائی آن شد قدر زائد بردارائی شرکت از قرض بعهده شرکاء مسئول جامع بلاحد باشد و چون مسؤولیت شرکاء قسم داریم محدود بهم آنان است اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود از این بابت بر ذمه آنها چیزی وارد نخواهد بود .

رئیس - مخالفی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - در شرکت خصوصی چیزی بوده که بنده عقیده ام اینست که در این شرکت هم همین مطلب بجهت اعتبار این شرکت باید قید شود و آن اینست که هر کدام از شرکاء خصوصی شخصاً در شرکت خصوصی ملتزم شده بودند که ده مقابل سرمایه را هر يك از عهده بر آید و در این شرکت آقیدرا انداخته اند و بنده عقیده ام اینست که برای اعتبار این شرکت همان عبارتیکه در شرکت خصوصی بوده قید شود اینجام هر يك از شرکاء ملتزم شوند که شخصاً از عهده بر آید و مازاد از آن راجع بضمان بلاحد باشد و برای اعتبار شرکت این را بنده بهتر میدانم که باین طریق که عرض سکردم نوشته شود .

افتخار الواعظین - اینجا اشتباه فرموده اند در شرکت مختلفه میگوید شرکاء مسئول جامع بلاحد بطور لازم ملتزم میشوند بر اینکه در صورتی که قرض شرکت بیش از دارائی آن شد قدر زائد بردارائی شرکت بعهده شرکاء مسئول جامع بلاحد باشد و چون مسؤولیت شرکاء غیر مؤسس محدود به سهم آنان است اگر شرکت بیش از دارائی مقروض شود از این بابت بر ذمه آنها چیزی متصور نخواهد بود و آن قیدی که فرمودند در اینجا بشود بنده گمان میکنم لازم نباشد

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟

حاج امام جمعه - بعضی اصلاحات عبارتی است که در اول و آخر لازم است اگر مرخص بفرمایند عرض کنم .

رئیس - بفرمایند .
حاج امام جمعه - اینجا يك فرض مطلبی و يك فرض عبارتی است اما فرض عبارتی این آخر است میگوید (اگر قرض شرکت بیش از دارائی آن شد قدر زائد بر دارائی شرکت از قرض بعهده شرکاء مسئول جامع بلاحد باشد و چون مسؤولیت شرکاء

قسم دوم محدود بهم آنست اگر شرکت بیش از دارائی مفروض بشود از بنیاد برعهده آنها چیزی متصور نخواهد بود (مراد از این یعنی از آنقدر زائد بر دارائی آن وقت اینطور میفهمند که هر وقت فرض زائد بر دارائی شد دیگر آنقرض برعهده آنها نیست هبارت قانون يك چیزی است که باید واضح باشد مخبر باید توضیح بدهد یکی هم چون اینجا خاطر محترم همه آقایان مسوق است که حقیقتاً دو شرکت است یکی شرکت قبایل شرکاء جامع و مسئول که مسئول یکدیگرند و مسئول بلاحد طلبکارانند و یکی شرکتی هم مابین آن اشخاصیکه مسئول آنها محدود است همانطوریکه آقای حاج شیخ اسدالله گفت راست گفت باید هر دو تا ملتزم شوند یعنی دوالتزام لازم است نسبت بشركه جامع و بلاحد یعنی هم باید مسئولیت جامع و بلاحد ملتزم شوند هم نسبت باینشرکایکه مسئولیتشان محدود است ملتزم بشوند و استعفا میکنند این ماده را مخبر محترم قبول کنند که برگردد بکمیسیون که تجدید نظری در این باب بشود.

افتخار الواعظین - اینجا بنده گمان میکنم وقتی نوشتیم در شرکت (شرکاء مسئول جامع و بلاحد الی آخر) تصور میکنم مقصود آقای حاج امام جمعه را خود این ماده برساند و البته در هر دو مورد ملتزم میشوند یعنی ملتزم میشوند که قرض شرکتهرانندازه که بیش از سرمایه شرکت شد برعهده ماست لیکن سایرین باندازه سهامشان مسئول خواهند بود حالا اگر باز هبارت را کافی نمیدانید برگردد بکمیسیون **رئیس** - چند دقیقه تنفس داده میشود (بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد) **رئیس** - يك ماده مخبر کمیسیون پیشنهاد کرده اند قرائت میشود. (ماده ۲۲ پیشنهاد مخبر کمیسیون هبارت ذیل قرائت شد).

ماده ۲۲ - مؤسسه جامع شرکاء مسئول موافق ماده دویم خواهد بود. **رئیس** - مخالفی هست. **حاج امام جمعه** - عرض میکنم اینکه نوشته اند خیلی خوبست ولی يك کلمه (در بین خودشان) را هم بگذارند چون اینجا دو مسئولیت است یکی نسبت بقرض شرکت و یکی نسبت بقرض خودشان اگر در بین خودشان بگذارند خیلی خوبست.

افتخار الواعظین - گمان میکنم فرمایش آقای حاج امام جمعه را هم اینماده برساند بجهت اینکه ما در ماده دوم گفتیم مسئول جامع اینستکه شرکاء بطور لازم ملتزم شرعی بشوند که قروض شرکت باندازه در برابر سرمایه برسد هر کدام از طلبکارها از هر کدام از آنشرکاء مطالبه نمایند باید بدهند و بعد از همدیگر بقدر حصه خودشان بگیرند و اینجا نوشته ایم (که مؤسسه جامع شرکاء مسئول موافق ماده دویم خواهد بود).

رئیس - مخالفی هست. **زنجانی** - يکتر به دیگر بخوانند (مجدداً ماده ۲۲ پیشنهادی مخبر قرائت شد).

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - شرکاء همه مسئولند منتهی دو قسم مسئولیت است یکی مسئول جامع بلاحد است و یکی جامع و بلاحد نیست پس

باید اینطور نوشت مسئولیت جامع بلاحد موافق ماده دوم خواهد بود. **افتخار الواعظین** - مامسئولیت جامع را در ماده دوم تعریف کردم که مرادمان چیست و در اینجا همینقدر میگویم که مطابق آن مسئول خواهند بود.

کاشف - این ماده مخالف است با آنچه گذشت یعنی ماده دوم و سوم و چهارم ماده اول را میگویند بکمیسیون رفته است در ماده چهارم میگویند مسئولیت بلاحد و مسئولیت بلاحد حد بردار نیست خواه ده برابر خواه صد برابر اگر آنکله را میگذارند این را بردارند اگر این را میگذارند آنرا بردارند.

افتخار الواعظین - ان مطالبی است که گذشته است خوب است خاطر مبارکشان را متوجه میفرمودند يك مسئولیت جامع است یکی بلاحد این که عنوان است مسئولیت جامع آنست که تا ده برابر یا بیست برابر هر کدام از طلبکارها میتواند از هر کدام از شرکاء مطالبه کنند آنها مسئولند مسئولیت جامع آنست که اگر قرض شرکت بصد برابر برسد شرکاء مسئولند لیکن هر کدام باندازه سهم خودشان نه اینکه تمام قرض را از هر يك فرد بتوانند مطالبه کنند مسئولیت جامع است نه مسئولیت بلاحد **بهجت** - این قسمت اولی که نوشته شده است بسیار صحیح است ولی متمم دارد یعنی باید در آخر نوشته شود که شرکاء غیر مسئولیت فقط نسبت بحصه خودشان مسئولند چون اگر این قید را نکنیم چنین میفهماند که مسئول حسب آنها هم هستند باینجهت بنده پیشنهادی کرده ام.

افتخار الواعظین - ماده (۲۱) شرح میدهد و مستغنی میکنم را از فرمایش آقای بهجت. **رئیس** - دیگر مخالفی نیست. **کاشف** - آقای مخبر در زمان مدافعه همیشه اظهار میکنند که ملتفت نشوند در صورتیکه بفریبی ملتفت هستیم در صورتیکه در راپورت تانی کمیسیون هم نوشته اند مسئولیت جامع بلاحد و بلاحد را قیام گرفته اند این معنی شود یا بلاحد شود.

رئیس - دوم تیر ماه ۲۲ قرائت میشود (مجدداً قرائت شد). **رئیس** - رأی میگیریم بماده ۲۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند). **رئیس** - با کثرت تصویب شد ماده ۲۳ (هبارت ذیل قرائت شد). ماده ۲۳ - شرایط تشکیل شرکت مختلفه همان است که در مواد ششالی بیست ذکر شد. **رئیس** - مخالفی هست.

حاج سید ابراهیم - چون در آن مواد تمام شرایط نبود بلکه يك ترتیب قانونی هم بود که حك نشود چه نشود چه نشود خوب است نوشته شود (شرایط و ترتیب تشکیل شرکت مختلفه) و ماده (۶) الی (۲۲) هم فقط است (۶) الی (۲۰) باید بنویسند.

افتخار الواعظین - ما از برای تشکیل شرکت خصوصی گفتیم که شرایط تشکیل شرکت از قرار شرایط ذیل است و هر کدام که

مراعات شود اسباب هدم تشکیل شرکت است در اینجا هم مقصود این است که اینقید بشود که تمام آن شرایطی که اینجا ذکر شده است اینجا هم رعایت شود و کافی خواهد بود. **رئیس** - دیگر مخالفی نیست. دوم تیر قرائت میشود (مجدداً قرائت شد). **رئیس** - رأی میگیریم بماده ۲۳ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند. (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - با کثرت تصویب شد ماده ۲۴ (هبارت ذیل قرائت شد). ماده ۲۴ - شرکاء غیر مسئول بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا برای شرکت معامله نمایند و کلیه حق هیچ نوع مداخله در امور شرکتی ندارند فقط حق آنها رسیدگی و تفتیش و نظارت اعمال شرکاء مسئول است.

رئیس - مخالفی هست. **معین الرعایا** بنده جمله اخیر این ماده را ابدأ صحیح میدانم که شرکاء غیر مسئول حق تفتیش و نظارت شرکت داشته باشند بجهت اینکه ممکن است يك شرکت صد هزار تومانی بین چند نفر منقسم شود بعد از آن ده نفر پنج نفر هم هر یکی صد تومان پنججاه تومان بدهند شريك شوند و بعد هر روز بروند آنجا بگویند که ما میخواستیم دفتر شمارا نگاه کنیم و همه اوقات موی دفاع آنها شوند این سبب میشود که یکی رشته نظم آن شرکت از هم میباید عقیده بنده این است که این جمله اخیر بکلی برداشته یا اگر لازم است این را مقید بيك قیدی بکنند و الا ممکن نیست شرکت کار خودش را بکنند.

افتخار الواعظین - این فرمایشی که فرمودید در مجلس در ضمن شوراول و در کمیسیون هم مکرر مذاکره شده است اینجا ما فقط میگویم که حق آنها نظارت و تفتیش است ولی اینکه فرد فرد آنها هر روز بروند تفتیش بکنند آنرا مانع میگویم البته آن شرکت برای خودش يك نظامنامه داخلی خواهد داشت و ترتیب تفتیش را يك نوبی معین خواهد کرد و باید به نشینند و از میان خودشان شرکاء غیر مسئول يك هیئتی باسم هیئت ناظره معین کنند که آنها ناظر باشند چه شکل هم ناظر باشند که شرکاء غیر مسئول حق نداشته باشند هر روز بروند بگویند ما دفتر شمارا میخواستیم ببینیم فقط اینجا حق ایشان میبیم اما آنحق چطور باید اعمال شود چطور باید آنکار را بکنند آیا بيك هیئتی برگذار خواهند کرد و سه ماهه ماه حق تفتیش داشته باشند یا ماه به ماه حق تفتیش داشته باشند باید دیگر راجع بقدر هیئت شرکت است در نظامنامه داخلی خود شرکت مراعات میشود و اینجا اگر آقای معین الرعایا بخواهند حق تفتیش و نظارت را از شرکاء غیر مسئول سلب نمایند عرض میکنم پس مردم بجهت اطمینان و اعتبار پول خودشان را بشرکت داده.

حاج وکیل الرعایا - این نظامنامه داخلی نمیتواند آن قوه را داشته باشد که قانون دارد قانون حق میدهد که حق تفتیش دارد و این خیلی میتواند سبب شود برای اینکه کارها دچار بعضی افراس بشود باینجهت گمان میکنم که تفتیش هم یکی از امانت است که باید باند نامرد بتوانند با سرمایه مختلفه کار نمایند نمیتوان

حق این تفتیش را داد بدمم که سالی يکتر به حق تفتیش داشته باشند با عجلتاً هر ماه يکتر به میتوان اینحق تفتیش را داد اظهارات آقای معین الرعایا را هم تقویت میکنم و عیب میدهم و گمان میکنم که خیلی زحمت بزرگی فراهم خواهد آورد و اخیراً هم عرض میکنم که فرمایش آقای مخبر هم نمیتواند ما را قانع بکند که فقط مردم به نظامنامه قناعت خواهند کرد.

آقا سید حسین اردبیلی - بنده بنده سلب کردن حق تفتیش از نظارت شرکاء مسئول و غیر مسئول یا قائل شدم باینکه آنها هم شرکاء هستند این مسئولیت را ندارند بجهت اینکه آنها را از تمام حقوق منوع میکنند که بهیچوجه مداخله در کارهای شرکت ندارند و مداخله در معاملات نمیتوانند بکنند و اگر اینرا هم میگویم تفتیش بکنند دیگر بجهت اطمینان و ترتیب شرکت بکنند و اینهم معلوم است که ممکن نیست که بدون يك ترتیبی تفتیش و نظارت داشته باشند لابد يك ترتیبی معین خواهد شد برای تفتیش و در نظامنامه شرکات این ترتیب تعیین خواهد شد و در ترتیب هم ابدأ اشکال نخواهد داشت و اگر آن حق هم سلب شود دیگر اطمینانی برای شرکت باقی نخواهد ماند.

آقا شیخ علی شیرازی - اینجا دارد شرکاء بهیچوجه حق ندارند برای شرکت معامله نمایند این را بنده نمیفهمم بجهت اینکه شريك غیر مسئول را مثل يك شخص خارجی فرض میکنیم و اگر این وقتی لازم شد برای يك خرید تریاکی يك شخص امینی را که فعال باشد و شرکاء غیر مسئول باشد بخواهند بفرستند این ماده مخالفت میکند پس اگر با اجازه آنها باشد این مثل و کالتی است از طرف اینها این ضرر دارد این را بنده میخواستم توضیح بدهید

افتخار الواعظین - مراد از اینکه حق هیچگونه مداخله در امور شرکت ندارد معنی این است که اگر تمام شرکاء جمع شدند و يك قدری پول باو دادند که برود از فلانجا جنس برای آنها بخرد نتواند اینطور نیست بلکه مقصود اینست که خودش بدون اجازه آنها و بدون ترفیبه خاطر آنها حق ندارد و برای اینکه امور در مجرای خودش بطور صحت جریان و دوران داشته باشد باید بگوئیم که حق مداخله در امور شرکت ندارد حالا اگر تمام شرکاء بخواهند برای يك مسئله بخصوص حق باو بدهند این يك مسئله دیگری است.

حاج شیخ علی خراسانی - پس بنا بر این توضیحی که آقای مخبر دادند خوبست يك کلمه اضافه شود که مگر با اجازه مخصوص والا اینکه نوشته میشود بهیچوجه حق مداخله در اداره کردن شرکت ندارد اگر خود شرکت لازم دانست که يك کسی را داخل در شرکت نماید یا او را داخل در اداره یا رئیس شعبه بکند او نخواهد توانست مگر اینکه اضافه شود مگر با اجازه مخصوص.

افتخار الواعظین - آنوقت که میفرمایند با اجازه مخصوص آن اجازه مخصوص وقتی ک داده شد مدیر میشود ما هم در شرکت نامه گفتیم که اختیارات مدیر چیست و مدیر خودش میتواند مداخله بکند اگر بخواهد مداخله بکند. **کاشف** - این ماده بعقیده بنده بکلی برخلاف

مقصود است و برخلاف زحماتی است که کشیده شده است برای آمدن این قانون به مجلس برای اینکه همه میدانند که تجارت يك اسراری دارد و هیچکس نمیتواند در اسرار تجارت همه روزه برود رسیدگی کند و اگر آنکسی که يك جزئی شرکتی داشته باشد و هر کس که يك جزئی برای شرکت داده همه روزه برود رسیدگی و تفتیش و نظارت بکند ابدأ این شرکت هرگز نمیتواند دارای اسراری باشد و کار بکند و این ماده هبارت اول و آخرش با هم متناقض است بجهت اینکه در اولش میگوید حق هیچ نوع مداخله ندارند و در آخرش میگوید که حق آنها تفتیش و رسیدگی است در صورتیکه شماها در یکی از مواد نوشته اید که در هر ششماه صورت حساب میدهد دیگر این لازم نیست و ممکن است خود این شخص هم کاین تفتیش را می کند برای خود این شرکت اینکار را نکند و خودش هم داخل در امور تجارتي نباشد که بداند و این بکلی مخالف است با آن مقصودی که داشته است.

رئیس - حالا مذاکرات کافی است. **مخبر** - بفرمائید اصلاحات را بخوانند. **رئیس** - اصلاحات خوانده میشود (هبارت ذیل قرائت گردید).

از طرف ادیب التجار. این بنده این اصلاح هبارتی را تقدیم بنمایم فقط آنها رسیدگی و تفتیش و نظارت و بدفاتر و اعمال شرکاء مسئول است. از طرف لواء الدوله بنده پیشنهاد میکنم کاین جمله در آخر ماده ۲۴ اضافه شود باز تریبیکه در نظامنامه داخلی شرکت مذکور است.

از طرف حاج سید ابراهیم بنده پیشنهاد میکنم کاین عبارت باخر ماده الحاق شود موافق نظامنامه داخلی شرکت. **رئیس** - این سه فقره اصلاح راجع بيك مطلب است يك فقره هم از آقای مدرس رسیده است بنده پیشنهاد میکنم کدر ماده ۲۴ چنین نوشته شود شرکاء غیر مسئول بدون اجازه مخصوص سایر شرکاء الخ. **ادیب التجار** - حق نظارت و تفتیش بیشتر راجع بدفاتر میشود برای اینکه در آنجا حساب شرکت نوشته شده است و این حق را از احدی از شرکاء نمیتوان سلب کرد که بدفاتر رسیدگی بکنند اما اینکه میفرمایند سه ماه به سه ماه یا ۶ ماه بششماه این حسابها نوشته خواهد شد البته آن راجع بنظام نامه است و بنده در قانون رسیدگی بدفاتر را لازم میدانم گمان میکنم آقای مخبر هم قبول فرمایند.

رئیس - آقای مخبر قبول دارید. **افتخار الواعظین** - البته حق رسیدگی باعمال شامل دفاتر و غیره هم هست. **دکتر اسمعیل خان** - این ایرادیکه آقایان میفرمایند گمان میکنم کغالیشان صحیح است اینکه بگویند بيك نفر شريك در يك کمپانی حش چه چیز است حش اینستکه از روی دفاتر رسیدگی بکند باعمال شرکت مطابق يك نظامنامه داخلی که خود شرکت معین میکند که مثلاً هر ۶ ماه بششماه حق میبدهد که آنها رسیدگی بکنند این یکی از ایرادها اینستکه خیلی بجا بوده است و اینکه آقای زنجانی

پیشنهاد کرده اند که مطابق نظامنامه باشد صحیح است مطابق نظامنامه است که خود شرکت حق میدهد. **رئیس** - راجع به پیشنهاد آقای ادیب التجار بفرمائید. **دکتر اسمعیل خان** - در آن پیشنهاد عرض کردم اینهم متعلق باوست غرض اینستکه اگر اینهم جزء شود يك ماده قانونی خواهد شد بهتر است. **معین الرعایا** - اساساً هیچ نمیتوان منکر شد که هر کاری يك تفتیش دارد اما اینکه آقای ادیب التجار پیشنهاد کردند تحت ترازیابورت کمیسیون است بلکه شرکاء مسئول هم يك حدی باید داشته باشند در تفتیش نسبت بمدير چنانچه عرض کردم این جمله اخیر بر داشته شود. فقط برای شرکاء غیر مسئول ۶ ماه بششماه کافی است که يك صورتی میدهد در آن موقع بصورت حساب رسیدگی بشود و الا ممکن نیست بيك شرکت صد هزار تومانی دفتر بیست نفر یکی ده تومان بخواهند بدهند و هر روز بخواهد بروند رسیدگی بدفاتر بکنند اینها غیر ممکن است و بکلی نظم و ترتیب دفاتر آنها را بهم میزند. **رئیس** - قبول از اینکه رأی میگیریم به پیشنهادها چون آقای کاشف تقاضا کرده اند عودت داده شود بکمیسیون و این تقاضا حق تقدیم دارد به تقاضای ایشان رأی میگیریم آقایانیکه تقاضای آقای کاشف را تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند). **رئیس** - تصویب نشد رأی میگیریم باصلاح آقای ادیب التجار آقایانیکه اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند). **رئیس** - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح آقایان زنجانی و حاج سید ابراهیم و لواء الدوله. **افتخار الواعظین** - بنده قبول میکنم نوشته شود موافق نظامنامه داخلی. **رئیس** - اصلاحی از طرف آقای مدرس رسیده است خوانده میشود. (مجدداً اصلاح آقای مدرس خوانده شد).

آقای مدرس - چون مراد همین بود که شرکاء و مسئول فی حد ذاته دخالت بکنند و شرکاء غیر مسئول بدون اجازه شرکاء مسئول حق دخالت نداشته باشند الا باذن خارجی و دخالت خارجی لهذا تصریح باین مسئله باشد بهتر است ظاهراً آقایان منکر این مسئله نباشند. **رئیس** - آقای مخبر چه میفرمایند. **مخبر افتخار الواعظین** - عرض کردم قبول دارم نوشته شود شرکاء غیر مسئول بدون اجازه مخصوص شرکاء مسئول. **رئیس** - اگر اصلاح را قبول کردید که باید همان طور نوشته شود حالا ماده با اصلاحی که شده است خوانده میشود. (هبارت ذیل خوانده شد) ماده ۲۴ - شرکاء غیر مسئول بدون اجازه مخصوص سایر شرکاء بهیچوجه حق ندارند در اداره کردن شرکت دخیل شوند یا برای شرکت معامله نمایند و کلیه حق هیچ نوع مداخله در امور شرکتی ندارند فقط حق آنها رسیدگی و تفتیش و نظارت اعمال شرکاء مسئول است (در این موقع بعضی اجازه خواستند) **رئیس** - دیگر نمیشود مذاکره کرد مذاکره شد اصلاحات هم خوانده شد رأی میگیریم آقایانیکه

پیشنهاد کرده اند که مطابق نظامنامه باشد صحیح است مطابق نظامنامه است که خود شرکت حق میدهد. **رئیس** - راجع به پیشنهاد آقای ادیب التجار بفرمائید. **دکتر اسمعیل خان** - در آن پیشنهاد عرض کردم اینهم متعلق باوست غرض اینستکه اگر اینهم جزء شود يك ماده قانونی خواهد شد بهتر است. **معین الرعایا** - اساساً هیچ نمیتوان منکر شد که هر کاری يك تفتیش دارد اما اینکه آقای ادیب التجار پیشنهاد کردند تحت ترازیابورت کمیسیون است بلکه شرکاء مسئول هم يك حدی باید داشته باشند در تفتیش نسبت بمدير چنانچه عرض کردم این جمله اخیر بر داشته شود. فقط برای شرکاء غیر مسئول ۶ ماه بششماه کافی است که يك صورتی میدهد در آن موقع بصورت حساب رسیدگی بشود و الا ممکن نیست بيك شرکت صد هزار تومانی دفتر بیست نفر یکی ده تومان بخواهند بدهند و هر روز بخواهد بروند رسیدگی بدفاتر بکنند اینها غیر ممکن است و بکلی نظم و ترتیب دفاتر آنها را بهم میزند. **رئیس** - قبول از اینکه رأی میگیریم به پیشنهادها چون آقای کاشف تقاضا کرده اند عودت داده شود بکمیسیون و این تقاضا حق تقدیم دارد به تقاضای ایشان رأی میگیریم آقایانیکه تقاضای آقای کاشف را تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند). **رئیس** - تصویب نشد رأی میگیریم باصلاح آقای ادیب التجار آقایانیکه اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند). **رئیس** - قابل توجه نشد رأی میگیریم باصلاح آقایان زنجانی و حاج سید ابراهیم و لواء الدوله. **افتخار الواعظین** - بنده قبول میکنم نوشته شود موافق نظامنامه داخلی. **رئیس** - اصلاحی از طرف آقای مدرس رسیده است خوانده میشود. (مجدداً اصلاح آقای مدرس خوانده شد).

که ماده ۲۴ را به ترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام کردند) رئیس - در دهم ماده ۲۵ خوانده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۲۵ - در صورت مداخله یکی از شرکا غیر مسئول در امور شرکت تاگر ضرری وارد آید خسارت وارده را باید عهده نمایند .

آقا محمد پرو وردی - بنده اینامدمرا نمی فهمم و هیچ نمیتوانم تصویب کنم چون در احکام وضعیه سبب اسباب ضمان میشود مگر در موارد خیلی کم باینطور که یکی از شرکا غیر مسئول طوری مداخله کرد یعنی يك معامله کرد یا صحبتی کرد یا بعضی تصرفاتی کرد و طوری شده که اسباب ضرر شرکت شد نمیتوان گفت اوضاع من است و اسباب ضمان او میشود و باید از عهده برآید و جریان چنین ضرری را شارع معین کرده است مثلا مالی است شرکت فروخته است اگر سایر شرکا اجازه داده اند صحیح است اگر با مضای آنها نباشد باطل است پس اینجا که بطور اطلاق میگوید اگر ضرری وارد آمد باید از عهده برآید این صحیح نیست بله شرکاء غیر مسئول اگر خودش بخودی خود تصرف شخصی بکنند مثلا خودش بر دارد بفروشد و ضرری وارد بیاید ولو اینکه باز هم موکول با اجازه و تصویب شرکا است ولی اگر ضرری وارد بیاید او را نمیتوانیم بگوئیم که مسئول نیست و برعهده او نیست ولیکن اینطوریکه اینجا مطلق نوشته است نمیتوانم تصویب بکنم مگر اینکه مخبر يك صورت صحیحی برایش پیدا بکنند و اگر صورت صحیحی هم بآن داده این عبارت آخر صحیح نیست که عهده نماید عوض این نوشته شود باید بشرکت رد نماید .

افتخار الواعظین - بنده خیلی تعجب میکنم از آقای آقا محمد یکی از اصناف کلی اصل لاضرر و لاضرار است اگر کسی آمد بدون اجازه بنده خانه مرا فروخت اگر ضرری وارد آمد نباید از عهده برآید وقتی که ما میگوئیم بدون اجازه شرکا مسئول حق مداخله ندارد و خودش رفت در مال آنها يك تصرفی کرد مال مردم را فروخت خسارتی وارد شد آن خسارت را نباید عهده کند گویا اصل لاضرر و لاضرار ازین نرفته باشد .

نواء الدوله - اینجا میگوید در صورت مدافعه در صورتیکه در ماده قبل میگوید بدون اجازه شرکت حق ندارد دخیل در امور شرکت بشود وقتی که سایر شرکا اجازه دادند اگر ضرری وارد شد برعهده شرکت است اگر بدون اجازه شرکا مسئول اینکار را کرده است حق نداشته و مسلماً دزدی کرده است و باید ضرر بدهد و این ماده بنظر بنده اصلا زیادای است بجهت اینکه بدون اجازه در ماده قبل نوشته شد که بهیچوجه حق مداخله ندارد .

مهین الرعایا - بنده تصور میکنم که این ماده خیلی صحیح است بواسطه اینکه يك شرک غیر مسئول که از هزار سهم يك سهم دارائی دارد می رود بدون اجازه شرکا مسئول تصرف در امر شرکت می کند و يك معامله میکند این تصرف در مال غیر است و يك ضرری هم وارد شرکت می کند البته ضرری که وارد کرده است باید از عهده برآید بجهت اینکه حق تصرف در مال غیر نداشته است .

ارباب کیخسرو - بنده اصلا مذاکره در این ماده راتا ماده قبل میکردم بیافنده میدانم بجهت اینکه این ذیل آن ماده است چون احتمال می رود که آن ماده تغییر بکند این هم باید بماند تا آن ماده بگذرد .

رئیس - يك تقاضائی هم در این باب شده است خوانده میشود (باین ترتیب خوانده شد) .

از طرف آقای میرزا ابراهیم خان - این بنده تقاضا می کنم ماده ۲۴ و ۲۵ که مربوط يك دیگر است برگردد بکمیسیون که پس از اصلاح پیشنهاد نمایند . **رئیس** - از طرف آقای اردبیلی هم همین تقاضا شده است آقای مخبر چه میفرمائید .

افتخار الواعظین - بنده قبول میکنم برگردد بکمیسیون .

رئیس - اگر مغالطی نباشد بقیه قاء: ون شرکتهای بمانند برای جلسه بعد . (اظهار مغالطی نشد) .

رئیس - رابورت کمیسیون بودجه راجع باناشه سفارت لندن قرائت میشود . (بعبارت ذیل خوانده شد) .

لایحه وزارت خارجه در خصوص غلامعلی خان اتاشه سفارت لندن در کمیسیون بودجه مطرح گردید وزارت خارجه شرحی اظهار داشته بودند که غلامعلی خان در مدرسه علوم سیاسی پاریس تحصیل کرده دارای دیپلم است در دهم جمادی الاولی ۱۳۲۸ از طرف وزارت خارجه بسمت اتاشه گی سفارت لندن مامور شده بدون اینکه حقوقی بمشارالیه داده شود حاج فتح الملک ابوی معزی الیه بواسطه صدماتیکه در این مدت در خصوص وقایع اخیر کردستان بمشارالیه وارد شده استطاعت فرستادن مخارج بلندن برای پسر خود ندارد وزارت خارجه پیشنهاد نموده بودند از تاریخ ماموریت غلامعلی خان برقرار شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بودجه تصویب مینماید از تاریخ تصویب مجلس ماهی پنجاه تومان دربارة مشارالیه برقرار شود .

ماده - مبلغ پنجاه تومان از تاریخ تصویب مجلس دربارة غلامعلی خان اتاشه سفارت لندن برقرار میشود .

حاج شیخعلی خراسانی - بعضی لوابیح از وزراء پیشنهاد میشود که خیلی جای تعجب است مثلا سه سالست که ما سفارت در لندن نداریم یا دو سال است در پطرز بورخ مأمورینی که عالی تر از این هستند نداریم آنوقت اتاشه که معینش را بنده نمی دانستم و سؤال کردم برای بنده ترجمه کردند به شاگرد نظامی سفارت که باید مجانی خدمت نماید و افتخاری خدمت بکنند که او را داخل وزارت خارجه کرده اند بجهت يك چنین آدمی بودجه فوری بمجلس می آید و بودجه وزارت خارجه هیچ بمجلس نیآید که ما بدانیم که در کدام يك از نقاط ممالک دیگر نماینده لازم داریم یا نداریم از جمع شدن این قسم اجزاء جزء در ما اگر کم هم نبودن يك شخص عالی در آنجا چه فایده برای ما خواهد بود بهترین بود که در این نقاط وزراء ، سفیر ، شازدها و افراد را برای ما نفرستند آنوقت این اجزاء جزء راهم نفرستادند بعقیده بنده اهمیتی نداشت .

نواء الدوله - عرض کنم غلامعلی خان کدر

اینجا نوشته شده بنده او را ندیده ام ولی از قرائی که شنیده ام تحصیلش برای ما ایرانیان اسباب افتخار است پسرش از مهاجرین کردستان است و در قضیه سالار الدوله تمام اموالش در کردستان پایمال شده است اینجا آمده پناهنده شده است بشروطت چیزی ندارد که بدهد به پسرش تحصیل کند تحصیلش هم تمام شده در باره اشخاصیکه آراء نمایندگان همیشه صاحب بوده است نمیدانم چه علتی دارد که حالا باید مافقری مسامحه بکنیم اگر در يك ملکیتی یکوقتی ما وزیر مختار نداشته ایم نباید اجزای سفارتخانه هم نداشته باشیم اگر يك وقتی وزیر مختاری نرفته است یا دیر رفته است این دلیل نمیشود که اجزاء جزء هم نروند .

آقا میرزا احمد بنده اساسا با این پیشنهاد مخالف نیستم لکن میخواستم از مخبر سؤال کنم که این حقوق از برای مقام آتشه کیست یا اگر روزی هم منصل شود این حقوق شخصی او محسوب است و باز هم باو داده خواهد شد .

حاج عز الممالک - اولاً عرض کنم که این محدود خواهد بود برای مدت خدمت اگر چه جوانیست که کاملا تحصیلات کرده و ده سال در مدرسه سیاسی پاریس تحصیل کرده است لکن بی - حسب پیشنهاد وزیر امور خارجه این مبلغ تامدنی باو داده خواهد شد که بودجه وزارت خارجه از مجلس بگذرد و وقتیکه بودجه از مجلس گذشت آن وقت هر مبلغی که در ضمن بودجه وزارت خارجه برای این شغل معین خواهد شد آن مبلغ را باو خواهند داد این عیالنا بطور فوق العاده پیشنهاد شده است .

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای فرزانه شده است قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) این بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده اینطور نوشته شود .

ماده - مبلغ پنجاه تومان ماهیانه از تاریخ تصویب مجلس تا تصویب بودجه کل وزارت خارجه برای اتاشه سفارت لندن بوزارت خارجه اعتبار داده می شود .

حاج عز الممالک - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده واحده موافق اصلاح آقای فرزانه که مخبر قبول کردند آقا بانیکه تصویب میکنند ورقه سفید و آقا بانیکه رد میکنند ورقه کیود خواهند داد . (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان اوراق رأی را باین عده ذیل احصاء نمودند ورقه سفید (۴۶) ورقه آبی يك) .

رئیس - با اکثریت (۴۶) رأی تصویب شد رابورت کمیسیون بودجه راجع بنظام الممالک قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

لایحه وزارت مالیه در خصوص نظام الممالک قرائت گردیده وزارت مالیه شرحی اظهار داشته اند که مشارالیه سابقا جزء هیئت معیزی مشغول خدمت بوده و از شاگردان فارغ التحصیل مدرسه دارالعنون است در این اواخر با اکثرت حسابات چندی است ناخوش و بواسطه اختلافیکه در حراس او پیدا شده از کار خارج و نرسیدن حقوق اداری گذران او با جمعی اهل و عیال

مختل مانده است و چون در هنگام مأموریت مریض شده وزارت مالبه ماهی بیست تومان مطابق ماده واحده در باره او تصویب نموده است پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بودجه مطابق پیشنهاد وزارت مالبه با اکثریت تصویب مینماید .

ماده واحده - ماهی بیست تومان از الحاح تجریر لغایت مدت زمانیکه نظام الممالک اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش عیالات او وزارت مالبه بطور شهریه بپردازد .

معدل الدوله - پس از قرائت این لایحه وزارت مالبه اطلاعاتیکه بنده در خصوص نظام الممالک دارم لازم است عرض بکنم شرح حال او را بعد طت مخالفت خود را عرض میکنم این نظام الممالک پسر مزین الدوله است که او معلم دارالفنون و غائب اشخاص که تحصیل کرده اند در مدرسه دارالفنون پیش او تحصیل کرده اند این شخص نظام الممالک داخل در مغبری شد و در اوقاتی که خود بنده دخالت در آنکار داشتم مثل یک نفر مستخدم خوب رنگی کار می کرد با مسیو (دوبروک) و نقشه هائی که کشیده است الان در وزارت مالبه حاضر است حالا این شخص سابقاً چه اترتیبائی داشته است عرض میکنم و خود بنده دیدم که در موقع خدمت از آنچه وظیفه اش بود بیشتر کار می کرد روزی هشت ساعت نه ساعت در آفتاب و و امین کار میکرد که کسی نتواند ایرادی با او وارد کند در حین میزبانی در دست شه ریاری این مبتلا بمرض جنون شد و بواسطه شدت کار که مراقبت داشت بشغل خودش مبتلا باین مرض شد کسیکه زندگی او بهای صدویست تومان که از وزارت مالبه باو می رسد اداره میشود و پس از ابتلای او که ناخوش بود وزارت مالبه برای احتیاج نامه که باو داشت ماهی چهل تومان باو میداد نمیدانم چه شده که حالا در این مورد این را بیست تومان تصویب کرده اند در صورتیکه چند ماه است که آن چهل تومان هم باو نمی رسد اگر قانون اجازه میداد که مبلغ اضافه کنیم بنده پیشنهاد اضافه می کردم بجهت اینکه بحق است اسباب این میشود که تشویق خواهد کرد و ایجاد خواهد کرد یکمده اشخاص کافی را برای این مملکت حالا در این پیشنهاد بنده چیزی را که مخالفت دارم فقط در این است که نوشته شده است از حالت تجریر و حال آن که خبر دارم از آن تاریخ تمام زندگانی او را فروخته اند و مخارج او کرده اند چون مرض او يك نوعی است که شاید علاج نشود اگر او را تلف نکنند باین جهت تقاضا کرده ام که پس از فوت او در حق ورثه اش که از هر کس ذیحق تر است و در موقع خدمت بملت و مملکت مبتلا باین مرض شده است مقرر شود.

رئیس - مذاکرات کافی است پیشنهاد آقای معدل الدوله قرائت میشود (ببابت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده قانون ماهی بیست تومان مقرر نظام الممالک اینطور نوشته شود ماده واحده - ماهی بیست تومان از تاریخی که مقرر اداره میرزا نظام خان نظام الممالک مهندس مالبه از وزارت مالبه مقطوع شده مادامیکه ناخوش و اختلال حواس دارد برای معالجه و معاش اولاد او وزارت مالبه بطور شهریه بپردازد و در

صورت فوت همین شهریه در باره وراث قانونی او برقرار خواهد شد .

حاج عز الممالک - اگر چه از مخالفت آقای معدل الدوله نمانندگان خوب ملتفت شدند و انشاء الله رای به آن پیشنهاد خواهند داد ولی راجع به پیشنهاد آقای معدل الدوله بنده نمی توانم قبول کنم بواسطه این که این اضافه میشود بر آن چیزی که وزارت مالبه پیشنهاد کرده است و کمیسیون رای داده است بآن چیزی که وزارت مالبه پیشنهاد کرد و بقرینه بنده اگر بخواهید به پیشنهاد ایشان رای بگیریید شاید اسباب این بشود که در این دوره تقنینیه چیزی برای او تصویب نشود.

معدل الدوله - بنده پیشنهاد خود میرا مسترد میکنم .

رئیس - پس گرفتند پیشنهاد خود را رای میگیریم بنده واحده راپورت کمیسیون بودجه آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید و آقایانی که رد می کنند ورقه کبود خواهند داد (در این موقع شروع باختار رای شده و آقای حاج میرزا رضاخان اوراق رای را به این عده احصاء نمود ورقه سفید ۵۶)

رئیس - با اکثریت (۵۶) رای تصویب شد راپورت های متعدده از کمیسیون بودجه رسیده است و دور نیست اغلب آنها را آقایان بخواهند رای بدهند و اگر بخواهند اینطور يك يك رای بگیریم اسباب اتلاف وقت میشود و هم این که در این دوره تقنینیه هم نمی توانیم رای بگیریم باین جهت از آقای مخیر کمیسیون بودجه خواهش میشود که يك راپورت مخصوصی برای تمام آنها بنویسد بطور ماده بندی که با قیام و قعود در آن ها رای بگیریم و بعد يك رای با اوراق در تمام آن ها بگیریم دستور روز ۳ شنبه بقیه قانون شرکت هاراپورت کمیسیون بودجه راجع به شتاب و نه هزار تومان برگشتی از بودجه وزارت دربار راپورت کمیسیون معارف راجع بروزنامه رسمی راپورت کمیسیون بودجه راجع به ارباب لطف الله .

ادیب التجار - در جلسه قبل شرحی راجع بقانون منع احتکار عرض کردم فرمودند بوزارت داخله نوشته شده که افاتنه بدهند و مجدداً نوشته می شود اگر فرستادند که فرستادند اگر هم نفرستادند همان پیشنهاد جزء دستور گذاشته شود لذا بنده استدعا میکنم که روز سه شنبه جزء دستور گذاشته شود اگر تا روز سه شنبه آنها نظراتی در آن نموده و فرستادند قبها الامین آن جزء دستور گذاشته شود .

رئیس - عده برای مذاکرات کافی نیست در اینموقع که دو ساعت از شب میگذرد رئیس حرکت کرده جلسه ختم شد .

جلسه ۴۱۸

صورت مشروح روز سه شنبه پانزدهم

شهر ذی قعدة ۱۳۲۶

رئیس - (آقای مؤتمن الملك) سه ساعت و ده دقیقه قبل از قروب بجای خود جلوس نمود پس از يك ربع مجلس رسماً افتتاح شد - صورت مجلس روز شنبه را آقای آقاملیرزا ابراهیم خان قرائت نمود

غائبین جلسه قبل - آقایان د کتر علیخان - شریف العلماء براجازه - آقای حسن علی خان بدون اجازه - غائب - آقایان آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا آقا سید محمد باقر ادیب مریض بودند آقایانیکه از وقت مقرر تاخیر نموده اند مشیر حضور ۵۴ دقیقه - آقای حاج امام جمعه آقاسید حسن مدرس هریک یک ساعت و نیم

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست . **ادیب التجار** - بنده در آخر مجلس شرحی در دستور مجلس عرض کردم در باب قانون منع احتکار که اگر از وزارت داخله آن قانون را با نظریات خودشان بمجلس بفرستند همان قانون اولی مطرح مذاکره بشود این از نظر رفته است

رئیس - آنرا هم مینویسیم دیگر ملاحظاتی نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد در اینموقع که نماینده ملایر مرحوم حاج مصدق الممالک برحمت ایزدی بیوسته است معلوم است که تمام همکاران آمرحوم از این واقعه ناگوار خیلی متألم و متأثر هستند در این دو سال که آمرحوم بسمت نمایندگی در مجلس بودند طوری اعضاء مجلس را فریفته افکار صائبه و صفات پسندیده خودشان کردند که در واقع محبوب القلوب همه ماها بودند در کمیسیون بودجه قرآنین مالبه و مجلس از افکار صائبه ایشان در واقع منتفع میشدیم . فوت آمرحوم در حقیقت دوسانچه بزرگی است که بمجلس وارد شده است یکی فقدان این شخص که محبوب القلوب تمام ماها بود و دیگرش فقدان یک شخصی که از حیث امور پارلمانی برای ما یکی از منفعت های بزرگ محسوب میشد (اطرط فرمائید که تصدیق شد)

رئیس - قانون شرکتهای تجارتی راپورت جدید طبع و توزیع شده گویا تمام آقایان رسیده باشد (گفتند - بله) ماده هشتم ماده هشتم از راپورت جدید بعبارت ذیل خوانده شد) ماده - شرکت نامه یا مصدق است یا غیر مصدق شرکت نامه مصدق بیشتر محل اعتبار خواهد بود .

افتخار الواعظین مخبر - ماده اول میانده برای اینکه يك تجدید نظری در کمیسیون بشود این است که از ماده هشتم راپورت ثانوی کمیسیون قرائت میشود .

حاج وکیل الرعایا - میخواستم مخبر محترم جواب بدهند که آیا ممکن نیست که تمام شرکت نامهها مصدق باشد که محاکم تکالیفشان قلمری آسان تر باشد و ترتیب محاکمات در آینه راحت تر از این طوری که حالا هست باشد اگر ممکن باشد که کلیتاً مصدق باشد گمان میکنم خیلی اسباب سهولت باشد .

افتخار الواعظین - مصدق شدن شرکت نامهها را هم نمیتوانیم اجباری بکنیم در قانون که حتماً بروند شرکت نامه های خودشان را مصدق بکنند ولی از برای اینکه تحریص و ترغیب کرده باشیم که بروند شرکت نامه های خودشان را مصدق بکنند . در قانون مینویسیم که شرکت نامهها مصدق بهتر و بیشتر محل اعتبار خواهد بود یعنی